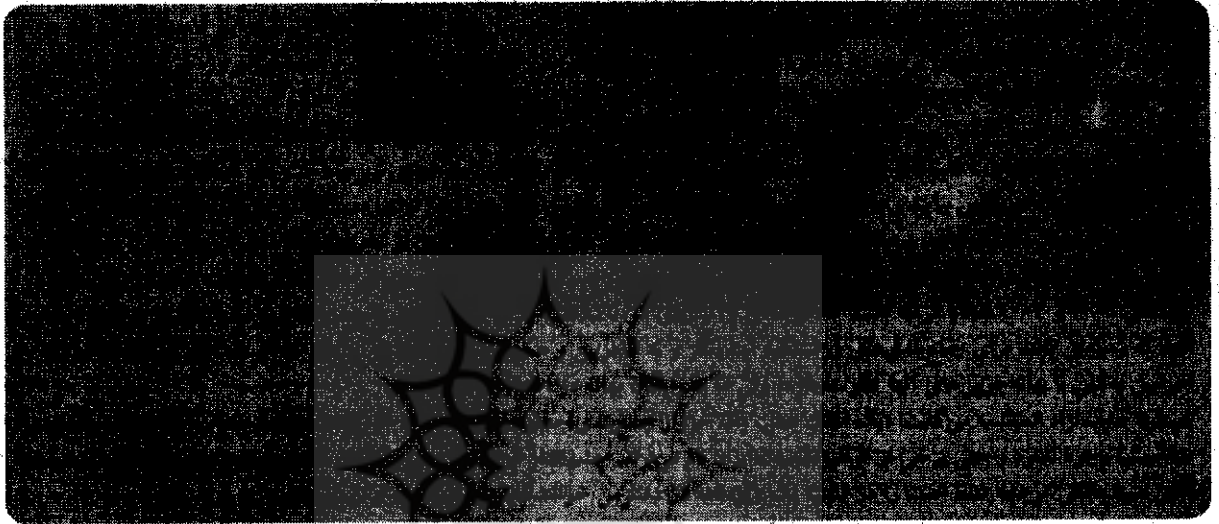




عوارض جنگ و اشغالگری در عراق



اروپای غربی بیان شده بود. م. اشغالگران، میلیاردها دلار از درآمد نفت عراق و میلیاردها دلار کمک مالی ایالات متحده را برای تأمین مالی هزاران پروژه مختلف، اختصاص دادند. اما فساد، کلاهبرداری و دزدی، این برنامه‌ها را مختل کرده و در نتیجه، سرمایه‌گذاری‌ها، بیشتر در پیگیری اقدامات امنیتی، سری، صورت گرفت. از نخستین روزهای تشکیل دولت موقت ائتلاف، تخلفات مالی در این دولت شروع شد. با وجود آن که مشاورین و مقامات دولت ایالات متحده، وجود این تخلفات را انکار می‌کنند، اما تخلفات گسترده در عراق، همچنان ادامه دارد. گسترش فساد مالی، حرص و آرزو اشغالگران را آشکار ساخته و در تار و پود نظام جدید، رخنه کرده است. از آنجا که تنها تعداد کمی از متخلفین، تحت پیگرد قانونی قرار گرفتند، فساد مالی مرتباً در حال رشد بوده و این مردم عراق هستند که از نتایج این فساد، رنج می‌برند. (۱)

صندوق توسعه عراق (DFI)

در ۲۲ می ۲۰۰۳ (۱۵ اردیبهشت ۱۳۸۲)، شورای امنیت سازمان ملل متحد، دو ماه پس از حمله به عراق، صندوق توسعه عراق (Development Fund for Iraq) را تأسیس کرد. هدف از تأسیس این صندوق، مدیریت درآمدهای نفتی جاری عراق و همین‌طور باقی‌مانده حساب نفت در برابر غذای سازمان ملل بود. اداره این صندوق به اشغالگران واگذار شد. اما شورای امنیت، از آنها (اشغالگران) خواست این صندوق را به صورت شفاف اداره کنند، به گونه‌ای که نیازهای انسانی مردم عراق را تأمین کنند. علاوه بر این، شورای امنیت، هیأت نظارت و مشاوره بین‌المللی (International Advisory & Monitoring Board) را برای نظارت بر این صندوق و حسابرسی موارد مصرفی، تشکیل داد.



فساد، تقلب و تخلف گسترده مالی
«هر خلافی که فکر کنید، در عراق اتفاق افتاده است.» ویلیام مک کوی،

ژنرال آمریکایی (۱)

اندکی پس از فتح بغداد، فرماندهان و رهبران سیاسی ایالات متحده، اعلام کردند برنامه گسترده بازسازی عراق، آغاز می‌شود. هدف از این برنامه، بازسازی ویرانی‌های جنگ و بالابردن سطح رفاه در عراق، بیان شده بود. بوش، این برنامه را با طرح مارشال در اروپا، پس از جنگ جهانی دوم مقایسه کرد. [طرحی که بر اساس آن، ایالات متحده به کشورهای جنگ‌زده اروپایی، کمک می‌کرد تا ویرانی‌های بازمانده از جنگ دوم جهانی را از بین ببرد و به سمت پیشرفت و توسعه حرکت کنند. مبدع این طرح، ژنرال مارشال آمریکایی بود. هدف از این طرح، جلوگیری از نفوذ کمونیسم در کشورهای



دولت موقت ائتلاف تحت رهبری آمریکا، در آغاز کار کنترل کامل این صندوق را در دست داشت. (۳) مقامات دولت ائتلاف، در طول سیزده ماه اول، ۱۹/۶ میلیارد دلار، یعنی بیش از ۹۰ درصد پس انداز صندوق را خرج کردند. (۵) بعداً حسابرس ها، با توجه به قراردادهای بزرگی که در سال ۲۰۰۳، بسته شده بود، متوجه شدند، ۷۴ درصد از این قراردادها بنا بر شرکت های آمریکایی، ۱۱ درصد بریتانیایی و تنها ۲ درصد با شرکت های عراقی، بسته شده است. تقریباً ۶۰ درصد قراردادها با شرکت ساختن سازی آمریکایی هالیبرتون، بسته شده بود. این قراردادها اکثراً با اعمال نفوذ و سواستفاده مقامات دولت ائتلاف بسته شده بودند. (۴) پیلان مالی این قراردادها یا مبهم است و یا این که اصلاً چنین پیلانی وجود ندارد. (۵)

در ۲۸ ژوئن ۲۰۰۴ (۷ تیر ۱۳۸۳)، با

لغو نمود. بدین ترتیب، این هیأت تنها قدرت محدودی برای حسابرسی پیدا کرد و هیچ توان اجرایی یا الزام آوری نیز نداشت. (۳) علاوه بر این، هیأت، دارای کارکنان دائمی و تمام وقت نبود. بودجه هیأت آن قدر ناچیز بود که کاری بیش از استخدام موقت حسابداران، نمی توانست انجام دهد. (۴) هیأت، مسئول نظارت بر فروش نفت و ورود و خروج سرمایه از صندوق توسعه عراق بود. با این وجود هیچ اطمینانی وجود نداشت بتواند از افراد درگیر در تخلفات مالی، حسابرسی کند. جان پیر هالباک (Jean Pierre Halbwachs)، رئیس هیأت، در کنفرانسی خبری در اواخر سال ۲۰۰۵، گفت: «ما قدرت اقدامی فراتر از تعریف کاری خود نداریم. (۳) عضو دیگری از این هیأت تأیید کرد هیأت برای کشف تخلفات تشکیل نشده بود و در نتیجه هیچ تخلفی پیدا نکرد. (۴)

هنگامی که تیم حسابرسی هیأت نظارت و مشاوره بین المللی در بهار ۲۰۰۴، وارد بغداد شد، با برخورد سرد مقامات، مواجه شد. چند هفته طول کشید تا سرانجام حسابرسان بتوانند وارد منطقه سبز شوند. تمام اسناد دولت موقت ائتلاف، در این منطقه قرار داشت. سرانجام هم حسابرسان به دلیل ناسور شدید مقامات دولت موقت ائتلاف، دست خالی برگشتند. (۱۸) هیأت نظارت، نخستین گزارش حسابرسی خود را در اواسط ژوئیه ۲۰۰۴، منتشر کرد. این زمان در حقیقت، چهارده ماه پس از آن بود که هیأت نظارت بین المللی، تشکیل شده بود. در نتیجه، نخستین گزارش حسابرسی هیأت، زمانی منتشر شد که پیش از آن، دولت موقت ائتلاف، منحل شده بود.

اعضای هیأت، بارها از عدم همکاری مقامات عراقی و آمریکایی در تحویل اسناد، شکایت کردند. آنها گفتند، اسناد مربوط به نقل و انتقالات مالی بزرگ، در اختیارشان قرار نگرفته و در کل، مقامات مسئول، با آنها همکاری نمی کنند. آنها همچنین از روند خلط صدور بخشنامه ها، سوابق استخدامی مشکوک و بخصوص درآمدهای نفتی ثبت نشده، شکایت داشتند. (۱۹) دیده بان در آمد عراق (Revenue Watch Iraq)، یک NGO آمریکایی، فرایندهای مالی عراق را با دقت بررسی کرده و جزئیات آن را در

انحلال دولت موقت ائتلاف، مدیریت صندوق توسعه عراق، به دولت موقت عراق و جانشینانش واگذار شد. (۵) با این وجود، همچنان چگونگی برداشت از صندوق توسعه عراق، در ابهام باقی ماند. تا فوریه ۲۰۰۵، وزارت دارایی عراق، هیچ واحد حسابرسی برای این صندوق، ایجاد نکرد. در پایان سال ۲۰۰۶ نیز، برای این صندوق حساب مجزایی وجود نداشت، تا نظارت صحیحی بر چگونگی مصرف درآمدهای صندوق، صورت گیرد. (۶) با این که مدیریت صندوق، در ظاهر به عراقی ها واگذار شد، اما مشاورین آمریکایی در وزارت دارایی و سایر وزارت خانه های مربوط به مصرف درآمدهای صندوق، دارای نفوذ گسترده ای بوده و هستند. در برخی مواقع، این مشاورین در موارد مصرف صندوق نقش تصمیم گیرنده دارند. ایالات متحده مدعی بود، برنامه کمک های مالی، «امور زیربنایی» را مورد توجه قرار داده و کنترل و مدیریت خوبی بر چگونگی مصرف کمک ها، اعمال می شود. (۱۰) با این وجود، همچنان در عراق، فساد و تخلفات مالی، در حال افزایش است. (۱۱)

تضعیف و جلوگیری از نظارت شورای امنیت

هیأت نظارت و مشاوره بین المللی (IAMB)، که توسط شورای امنیت تأسیس شده بود، ابزاری برای حسابرسی در پروژه های بازسازی عراق، به شمار می رفت. اما ایالات متحده، هر کاری انجام داد تا اقتدار این هیأت را تضعیف کرده یا این که جلوی کار آن را بگیرد. اعضای این هیأت، متشکل از بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، بانک توسعه غربی و سازمان ملل، باید برای تعیین معیارهای ارزیابی، با دولت موقت ائتلاف، مذاکره می کردند. درخواست های واشنگتن، منجر به ماه ها بحث دیپلماتیک و تاخیر در شروع کار هیأت شد. (۱۲) با این که طرف های حاضر در این هیأت، در نهایت در اکتبر ۲۰۰۳، بر سر اصول پایه به توافق رسیدند، اما تا دسامبر ۲۰۰۳، هیچ جلسه ای تشکیل ندادند و در آوریل ۲۰۰۴، نخستین قرارداد حسابرسی را تکمیل کردند. ده ماه از این قرارداد گذشت، اما کار نظارت شروع نشد. (۱۳) با اصرار ایالات متحده، هیأت نظارت، دسترسی الزامی را به اسناد مالی

خبرگزاری‌ها منتشر کرده است. با این وجود، شوزای امنیت چشم خود را بسته و هیچ عملی در جهت حفاظت از نیازهای انسانی مردم عراق، انجام نمی‌دهد.

بودجه‌های اختصاصی ایالات متحده برای بازسازی عراق

دولت ایالات متحده در بازسازی عراق، سرمایه‌های هنگفتی خرج کرده است. در سال ۲۰۰۳، کنگره آمریکا ۲۱ میلیارد دلار برای تأسیس صندوق بازسازی و بازیابی عراق (Iraq Reconstruction & Rehabilitation Fund, IRRF)، اختصاص داد. علاوه بر این، دولت ایالات متحده ۱۱ میلیارد دلار از بودجه وزارت دفاع آمریکا را به صندوق نیروهای امنیتی عراق (Iraq Security Forces Fund, ISFF)، اختصاص داد. (۳۱) با بودجه ۶ میلیارد دلاری که برنامه پاسخ فوری فرماندهان (Commanders' Emergency Response Program, CERP)، به عراق اختصاص داد، مجموع سرمایه‌های اختصاصی ایالات متحده به ۳۸ میلیارد دلار رسید. (۳۲) اکثر این سرمایه‌ها در عراق مصرف شده‌اند و مقادیر کمی از آنها نیز به بخش‌های غیر امنیتی، اختصاص داده شده‌اند. (۳۳)

استوارت بانن (Stuart Bowen)، از اکتبر ۲۰۰۴ به بعد، بازرس ویژه بازسازی عراق بوده که عملکرد صندوق بازسازی و بازیابی عراق را تحت نظر داشته است. بانن، پیش از این سمت، بازرس ارشد دولت موقت ائتلاف بود. بانن دارای حق دسترسی نامحدود به اسناد مالی و قدرت اجرایی برای ریشه‌کنی فساد مالی بوده است. با وجود این که بانن، تحت حمایت بوش است، دائماً منتقد سیاست‌ها و اقدامات کاخ سفید در عراق بوده است. او در سال ۲۰۰۶، دارای ۵۵ حساب‌ساز، بازرس و کارآگاه بود. چندین قرارداد غیرقانونی را در طول مدت کار خود، افشا و به کنگره آمریکا ارائه کرده است. همچنین موارد تخلف را برای رسیدگی به دایره رسیدگی به جرایم، گزارش کرده است. دولت بوش، در تلاشی ناموفق در پاییز ۲۰۰۶، تلاش کرد دفتر بانن را تعطیل کند. (۳۴) تا اینجا به نظر می‌رسد، بازرس ارشد، وکیل شجاع متعهدی است. اما در حقیقت، بانن دارای محدودیت‌های کاری تعریف شده‌ای بوده است. با وجود کارهای بسیاری که انجام داده، از بررسی عملکرد پیمانکاران بزرگ، بازرسی نقش مقامات بلندپایه دولت بوش و یا افشای رسوایی‌های

خبرگزاری‌ها منتشر کرده است. با این وجود، شوزای امنیت چشم خود را بسته و هیچ عملی در جهت حفاظت از نیازهای انسانی مردم عراق، انجام نمی‌دهد.

نقد شدن درآمدهای نفتی

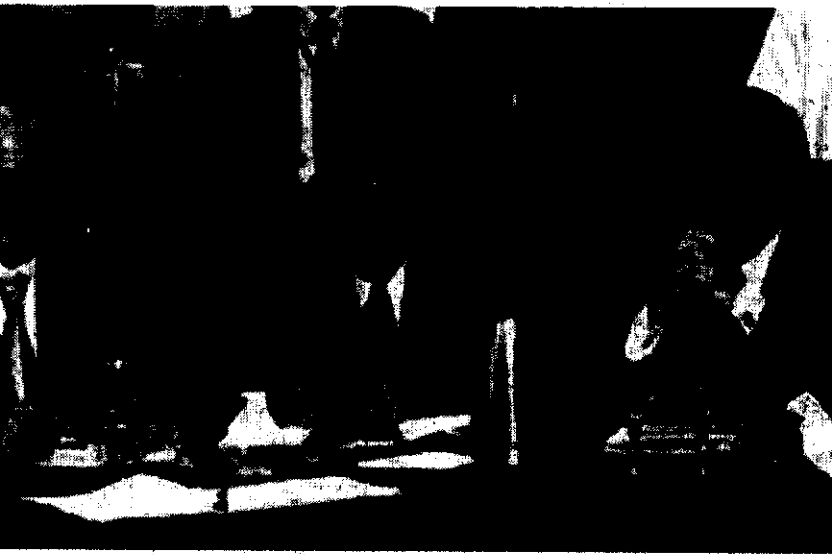
در سال ۲۰۰۳، تاکنون (می ۲۰۰۷)، میلیاردها دلار از تولیدات نفتی عراق، به دولت آمریکا رسیده است. به خارج از کشور قاچاق شده است. مقامات ائتلاف و دولت عراق، در کمال تعجب، هیچ کاری برای مقابله با قاچاق نفت، انجام نداده‌اند. قاچاقچیان نفتی، علاوه بر نفت خام، فرآورده‌های نفتی پالایشگاه‌ها را نظیر گازوئیل و بنزین نیز ربوده‌اند. این در حالی است که دولت عراق باید برای جبران کمبودهای خود در زمینه فرآورده‌های نفتی، این تولیدات را از خارج وارد کرده و با سوسیدهای بالایی به فروش برساند. اگرچه سیستم‌های هم‌گامی به محموله‌های نفتی حمله می‌کنند، اما بخش عمده تلفات نفتی به دلیل فساد مالی مقاماتی است که نظام نفتی عراق را کنترل می‌کنند. در این فساد، مقامات عراقی تنها نیستند، برخی از مقامات آمریکایی هم در کنار عراقی‌ها به ربودن و قاچاق نفت، می‌پردازند. در نبود دستگاه‌های اندازه‌گیر جریان نفت، کار قاچاقچیان نفتی، آسان‌تر شده است. معمولاً جریان نفت، از دهانه چاه تا پالایشگاه و از آنجا تا پایانه‌های صادراتی، به‌طور گسترده‌ای کنترل و اندازه‌گیری می‌شود. اما در حال حاضر، تأسیسات نفتی عراق، فاقد چنین دستگاه‌های اندازه‌گیری است. در نتیجه، نظارت بر جریان نفت خام یا فرآورده‌های پالایشگاهی یا ردیابی اقدامات قاچاقچیان، غیر ممکن است.

مایک موریس (Mike Morris)، متخصص صنایع نفتی، که با وزارت خارجه ایالات متحده در بغداد همکاری می‌کند، می‌گوید: «صنایع نفتی عراق، مانند سوپرمارکتی است که صندوق‌دار نداشته باشد. (۳۵) در پایانه‌های صادراتی، دهانه چاه‌ها و نه در شبکه خطوط لوله نفتی عراق، هیچ سیستم اندازه‌گیری‌ای وجود ندارد. (۳۶) موریس تخمین می‌زند که ۱۴ روزانه بین ۲۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ بشکه نفت، ثبت سند نمی‌شود. (۳۷)

دولت موقت ائتلاف، توانایی نصب سیستم‌های اندازه‌گیری را در تأسیسات نفتی عراق داشت، اما چنین نکرد. مشاورین دولت موقت ائتلاف، به برمر و گروهش درباره مسئله اندازه‌گیری جریان نفت، هشدار داده بودند، اما آنها (برمر و همکارانش) مرتباً عملیات نصب این سیستم را به تأخیر انداختند. (۳۸) هیأت نظارت بین‌المللی، در گزارش‌های خود به این خطا (تأخیر در نصب سیستم‌های اندازه‌گیری) اشاره کرده، با این وجود نه سازمان بازرسی نفت ملی عراق و نه مقامات آمریکایی، در این زمینه، توضیح قانع‌کننده‌ای ارائه نکردند. (۳۹) حساب‌سازان هیأت نظارت بین‌المللی، تذکر دادند که حتی در پایانه‌های صادراتی، هیچ سیستم اندازه‌گیری فعالی وجود ندارد، در نتیجه ارزیابی حجم یا ارزش صادرات نفت خام عراق، غیر ممکن است. (۴۰) مقامات مسول، بازرسی تانکرهای نفتی و خروج بی حساب صدها هزار بشکه نفت را نادیده گرفته‌اند.

وزارت نفت عراق، گزارش می‌دهد؛ صدها قایق کوچک، نفت خام و فرآورده‌های پالایشگاهی عراق را از طریق شط‌المرب (اروند رود)، قاچاق می‌کنند. (۴۱) این قاچاقچیان درست در محل استقرار نیروی دریایی





ایالات متحده و منطقه تحت کنترل نیروهای بریتانیایی، فعالیت می کنند. وزارت نفت عراق، برآورد کرده است قاچاق فرآورده های پالایشگاهی از قبیل بتزین و گازوئیل، فقط در سال ۲۰۰۵، ۸۰۰ میلیون دلار به دولت عراق، ضرر وارد کرده است. (۳۲) این در حالی است که ضرر ناشی از قاچاق نفت خام، بسیار بیشتر از این است. نشریه صنعتی پلاتز اویل گرام (Platts oil gram)، تلفات نفتی عراق را برابر ۳ میلیارد دلار در سال، برآورد می کند. (۳۳) گروه تحقیق عراق (بیکر - هامیلتون)، میزان نفت ریخته شده عراق را، ۱۸۰ میلیون بشکه در سال ۲۰۰۶، عنوان کرد. در همین حال، اداره حسابرسی دولتی عراق، این میزان را ۱۱۰ میلیون بشکه در سال، برآورد کرده است. در نتیجه، به اقتصاد عراق، نزدیک به ۵/۵ میلیارد دلار در سال، ضرر وارد می شود. (۳۴)

زررو بود، زیرا در این روز بیشترین مبادلات مالی این بانک در طول تاریخ فعالیتش اتفاق افتاد. حجم این مبادلات برابر ۲/۴ میلیارد دلار بود و صرف هزینه های دولت ائتلاف در عراق می شد. (۳۵)

وزن اسکناس های منتقل شده به عراق، در فاصله منی ۲۰۰۳ تا ژوئن ۲۰۰۴، برابر ۳۶۳ تن بود. (۳۶) فرانک ویلیس (Frank Willis)، یکی از مقامات ارشد دولت موقت ائتلاف، گفت: «عراق، لبریز از پول شده بود. دسته دسته، پول وارد عراق می شد. ما با دسته های اسکناس ۱۰۰ دلاری، توپ ساخته و با آن فوتبال بازی می کردیم. چنان جو احمقانه ای حاکم بود، که ما چنین چیزی را در هیچ جا و هیچ زمانی، ندیده بودیم. (۳۷)

پس از ورود پول ها به عراق، دولت موقت عراق، سوابق افرادی را که پول ها به آنها تحویل داده شده بود ثبت می کرد، اما چیزی درباره هدف از مصرف این سرمایه ها ثبت نمی شد. برای حسابرسی مصارف صندوق توسعه عراق، با یک شرکت کوچک به نام شرکت سن دیگو، قرار داد بسته شده بود. این شرکت هیچ گاه در زمینه حسابرسی فعالیتی انجام نداده بود و در زمینه نظارت و کنترل اسناد مالی هیچ تجربه ای نداشت. در نتیجه هیچ نظارتی هم بر سوابق مالی دولت موقت ائتلاف نداد. (۳۸)

دولت موقت ائتلاف، مجبور بود به جای پس انداز درآمدها، سرمایه های مالی را به صورت پول و اسکناس نگهداری کند. همین مسئله، برای دزدی و تخلفات مالی، فضای مناسب تری ایجاد می کرد. پل برمر، حاکم نظامی عراق، ۶۰۰ میلیون دلار پول فاقد سند را نزد خود نگاه داشته بود. ۲۰۰ میلیون دلار هم در یکی از اتاق های کاخ سابق ریاست جمهوری عراق قراز گرفته بود. یعنی همان مکانی که دفتر برمر در آن واقع شده بود. (۳۹)

مأمورین حسابرسی، گزارش دادند: «یکی از پیمانکاران، ۲ میلیون دلار پول را در حمام خود نگه می داشت»، «فرد دیگری، ۷۷۸۰۰۰ دلار پول را در چندانی باز نگهداری می کرد». (۴۰) یکی از گزارش های هیأت نظارت بین المللی می گوید: «تنها در یک مورد ۷۷۳۳۰۰ دلار پول نقد، از یک دفتر دولتی سزفت شده است. (۴۱) پیش از آن که دولت موقت عراق، مسئولیت اداره عراق را برعهده گیرد، ۲ میلیون دلار پول نقد در سمسورتنی به یک پیمانکار داده شد و در موزی دیگری، یکی از مقامات دولت ائتلاف، ۶/۷۵ میلیون دلار، برای مصرف در طول یک هفته دریافت کرد. (۴۲)

باوجود این مسائل، داستان سیستم اندازه گیری

جریان نفت عراق، همچنان در ابهام باقی مانده است. هالباک، رئیس هیأت نظارت بین المللی، در ژوئن ۲۰۰۴، به شورای امنیت گفت: «به زودی در تأسیسات نفتی عراق، سیستم های اندازه گیری نصب می شود. قرارداد نصب این سیستم ها، نخست با هالپریتون و سپس با شرکت پارسونز، بسته شد. با این وجود، کار نصب این سیستم ها، تا مارس ۲۰۰۶، آغاز نشد. (۴۳) در این زمان بود که شرکت پارسونز، به عنوان مسئول تأخیر جدی در نصب سیستم ها معرفی شد. (۴۴) قرارداد آن به شرکت مهندسی کرپس (Corps)، واگذار شد. شرکت کرپس اعلام کرد: تا اواسط سال ۲۰۰۷، سیستم های اندازه گیری در پایانه نفتی بهره، نصب خواهد شد. (۴۵) اما همچنان سرنوشت سیستم های اندازه گیری سایر بخش های تأسیسات نفتی عراق، در ابهام است و در این تأسیسات، هیچ طرح فوری برای نصب این سیستم ها، در دست اجرا نیست. (۴۶)

هواپیماهای باربری حامل اسکناس های نفتی

اشغالگران، در مدیریت و نظارت بر مصرف درآمدهای نفتی عراق نیز سهل انگاری کرده اند. برمر و دولت ائتلاف، در اقدامی غیرقانونی، ۱۲ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی عراق را به صورت اسکناس های آمریکایی از صندوق توسعه عراق، خارج کرده و به بانک فدرال رزرو (Federal Reserve) نیویورک، منتقل کردند. سپس، این پول ها از طریق هواپیماهای باربری هرکولس C-۱۳۰ نیروی هوایی ایالات متحده، برای مصرف در پروژه های بازسازی، مدیریتی و خدماتی عراق، روانه بغداد شد. (۴۷)

حسابرسی دقیق چنین تبادلات مالی گسترده ای، مشکل و تقریباً غیر ممکن است. شاید در نخستین روزهای اشغال عراق، استفاده گسترده از این پول ها اجتناب ناپذیر بود، اما دولت موقت ائتلاف، می توانست در ماه های بعد، برای رفع هرگونه ابهام، حسابرسی، سیستم های نظارتی و کانال های بانکی دقیقی را ایجاد کند. با این وجود، دولت ائتلاف، همواره بر مخارج جاری خود می افزود. مقامات دولت موقت ائتلاف، در آخرین هفته عمر این دولت، چهار میلیارد دلار اسکناس از نیویورک به بغداد منتقل کردند. این پول قراز بود به یکباره صرف مخارج دولت موقت ائتلاف، در آخرین روزهای عمرش شود. (۴۸) ۲۴ ژوئن ۲۰۰۴ (۳ مرداد ۱۳۸۳)، روزی تاریخی برای بانک فدرال

مقامات آمریکایی، میلیون‌ها دلار پول را بین قبایل محلی عراق توزیع کردند. (۵۰) مقامات دولت موقت ائتلاف، به افرادی که با آنها در کارهایی نظیر جاسوسی همکاری می‌کردند، دسته دسته اسکناس ۱۰۰ دلاری می‌پرداختند. (۵۱) ۱۰۰۰۰۰ دلار پول نقد؛ به اسم کمک به یک مرکز زنان عراقی، به یکی از شخصیت‌های بلند پایه محلی عراقی داده شد تا در مبارزات انتخاباتی خود از آن استفاده کند. (۵۲) دولت موقت ائتلاف، در یک مورد ۸/۸ میلیون دلار، پول بی سند به وزارت خانه‌های عراق داده است، که هنوز هم موارد مصرف آن، مشخص نیست. (۵۳)

هنری واکسمن (Henry Waxman)، نماینده کنگره ایالات متحده، می‌ادالات مالی دولت موقت ائتلاف را تا ژوئن ۲۰۰۴، یعنی پایان عمر دولت ائتلاف، بررسی کرد. (۵۴) پس از آن، هیچ کس حاضر نشد درباره نقل و انتقالات مالی از نیویورک به بغداد، گزارشی تهیه کند. یکی از اعضای هیات نظارت بین‌المللی، در اوایل سال ۲۰۰۷ گفت؛ نمی‌دانیم پول‌های انتقال داده شده کجا هزینه شده است. (۵۵) گزارش‌ها، حکایت دارند هنوز در عراق، چنین نقل و انتقال‌های بی حساب و کتابی ادامه دارد. (۵۶)

ناکار آمدی شدید شرکت‌های بزرگ

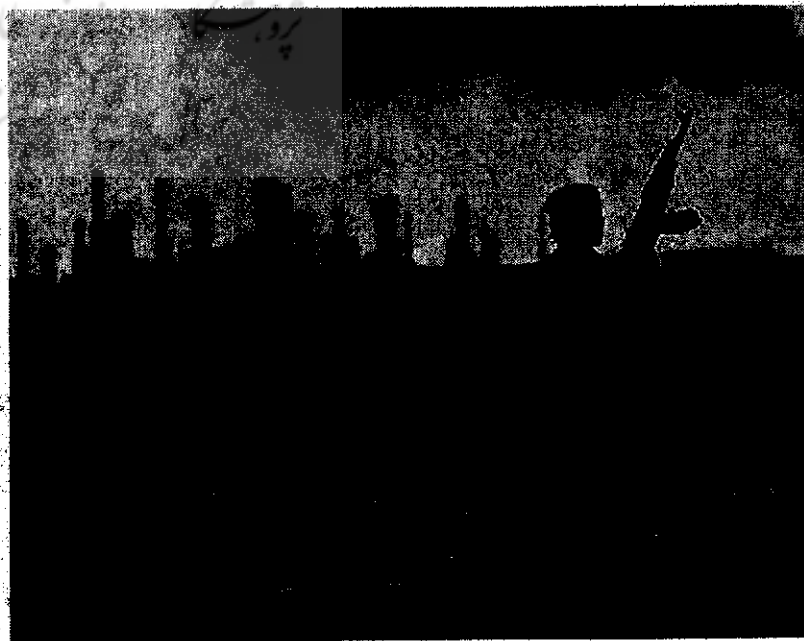
دولت ایالات متحده، بسیاری از قراردادهای بازسازی عراق را بدون برگزاری مزایده‌ای معتبر، واگذار کرده است. در نتیجه پیمانکاران، تا آنجا که می‌توانستند، قیمت‌های بالاتری را پیشنهاد می‌دادند. (۵۷) بسیاری از قراردادها به شرکت‌هایی واگذار شد، که با مقامات دولت بوش دارای روابطی نزدیک هستند. بیشترین قراردادهای عراق با شرکت هالیبرتون، بسته شده است. دیک چنی، معاون رئیس‌جمهور ایالات متحده؛ از شخصیت‌های با نفوذ در این شرکت است و پیش از ورود به کاخ سفید، مدیرعامل این شرکت بود. سپاه مهندسی ارتش ایالات متحده، قراردادی چند میلیارد دلاری را به صورت مخفیانه، به شرکت هالیبرتون واگذار نمود. این در حالی بود که هیچ مزایده‌ای برای واگذاری این قرارداد انجام نشده بود و تمام صورت وضعیت آن را هم خود شرکت هالیبرتون تهیه کرده بود. مأمور ارشد واگذاری قراردادها در

پنتاگون، که مسئولیت واگذاری این قرارداد به هالیبرتون را داشت، تلاش کرد تخلف در واگذاری این قرارداد را توجیه کند، اما موفق نشد. (۵۸) حتی زمانی که برای قراردادهای عراق، مزایده هم برگزار می‌شود، این مزایده خالی از ابهام نیست. شرکت مشاوره بیرینگ پوینت (Bearing Point)، مسئول تعیین مشخصات یکی از قراردادها بود. پس از تعیین مشخصات، این شرکت؛ مسئول برگزاری مزایده مربوط به آن شد. پیمانکاران مختلف، تنها یک هفته فرصت داشتند پیشنهادات خود را ارائه کنند. (۵۹) اغلب، دولت ایالات متحده بسیاری از قوانین پیمانکاری خود را در عراق، زیر پا گذاشته است. هیچ نظارتی بر شرکت‌های واگذاری قرارداد آمریکایی صورت نگرفته است. برخی دیگر از شرکت‌هایی که صاحب قراردادهای بزرگ در عراق شده اند (علاوه بر هالیبرتون و شرکت اقماریش (KBR)، بکتل (Bechtel)، فلور (Fluor)، پارسونز (Parsons) و چندین شرکت مهندسی آمریکایی دیگر بوده‌اند. این شرکت‌ها با پنتاگون دارای روابط نزدیکی هستند و شبکه متفدی از دوستانشان در دولت ایالات متحده، حضور دارند. برای مثال برخی از قراردادهای مشهور در ذیل آمده است:

- مراکز کمک‌های اولیه، یکی از اجزای اصلی بخش بهداشت عراق است و خدمات پزشکی اولیه را به شهرها و محله‌های عراق، ارائه می‌کند. شرکت پارسونز در مارس ۲۰۰۴، برنده قراردادی به ارزش ۲۵۳ میلیون دلار، برای ساخت ۱۵۰ کلینیک محلی در عراق شد، اما دو سال بعد، در حالی که ۱۸۶ میلیون دلار از بودجه این طرح مصرف شده بود، تنها ۵ کلینیک تکمیل شده بود. (۶۰) این در حالی بود که سپاه مهندسی ارتش ایالات متحده، به عنوان ناظر طرح، با اطلاع از اهمال پیمانکار، هیچ اقدامی نکرده بود. (۶۱)

- بیمارستان کوردگان بصره، پروژه‌ای بود که ایالات متحده به آن افتخار می‌کرد و از جانب لورا بوش (Laura Bush)، بانوی اول آمریکا و کاندولیزا رایس، وزیر خارجه ایالات متحده پشتیبانی می‌شد. (۶۲) شرکت بکتل به عنوان پیمانکار این قرارداد، با دریافت ۵۰ میلیون دلار از صندوق کمک‌های ایالات متحده، متعهد شد این پروژه را تا دسامبر ۲۰۰۵، تکمیل کند. (۶۳) بازرسان پروژه در ژوئیه ۲۰۰۶، متوجه شدند این پروژه از برنامه زمان‌بندی خود عقب است و برای تکمیل به ۱۵۰ تا ۱۷۰ میلیون دلار بودجه نیاز دارد. (۶۴) شرکت دیگری که در چنین طرح‌هایی حضور داشته و آنها را ناتمام گذاشته بود، شرکت پارسونز بود. سپاه مهندسی ارتش ایالات متحده، در نهایت مجبور شد شرکت پارسونز را به دلیل چندین پروژه ناقص، از جمله؛ احداث زندان، ایستگاه آتش‌نشانی و سیستم‌های اندازه‌گیری در پایانه نفتی بصره، از لیست پیمانکاران خارج کند. (۶۵)

- بازسازی تأسیسات نفت عراق، پروژه‌ای بود که مهمترین بخش تأمین مالی این کشور را فعال می‌کرد. تأسیسات نفتی عراق در طول ۱۳ سال تحریم و سه سال جنگ، به شدت آسیب دیدند. شرکت هالیبرتون در قراردادی که هیچ مزایده‌ای برای آن برگزار نشد، در ازای دریافت ۲/۴ میلیارد دلار، مسئول به روز رسانی تأسیسات میادین نفتی عراق شد. هدف از این پروژه؛ افزایش صادرات نفتی عراق و همین‌طور درآمدهای صادراتی این کشور بود. اما این شرکت، نتوانست



۸۴۸ میلیون دلار بست. در این پروژه، دو شرکت دیگر به نام‌های APTx و آلکمی تکنولوژی (Alchemie Technology) نیز حضور داشتند. قرار بود این خودروها در روسیه ساخته شوند. اگرچه بودجه قرارداد، در اواخر سال ۲۰۰۴، از محل صندوق توسعه عراق پرداخت شد، اما این خودروها، هیچ‌گاه تحویل داده نشدند. (۷۱)

برخی از افراد هم در تقلب، پول‌شویی، ارتشا و سایر جرایم دخیل بودند. رابرت استین (Robert Stein)، بازرگ و مسئول مالی دولت موقت ائتلاف در حوزه جنوب عراق، قراردادهایی را به ارزش ۸۲ میلیون دلار، در ازای دریافت پول، کالا و سایر موارد رشوه، به دوستان خود واگذار کرد. با وجود آن‌که استین در ازای واگذاری این قراردادها، دو میلیون دلار دزدیده، ۱۰ میلیون دلار پول نقد و ۶۸۳۰۰۰ دلار جواهرات و... رشوه گرفته بود، اما پیمانکاران، تعداد کمی از پروژه‌ها را به اتمام رساندند. (۷۲) استین در ژانویه ۲۰۰۷، به نه سال حبس محکوم شد. (۷۳) فیلیپ بلوم، همکار استین هم به جرم رشوه دادن به مقامات نظامی و غیرنظامی ایالات متحده، در ژانویه ۲۰۰۷، به زندان محکوم شد. (۷۴)

در همین رابطه، سرهنگ بروس هوفنگاردنر (Bruce Hopfengardner)، در توطئه برای دزدی از سرمایه‌های بازسازی عراق، قاچاق و سوءاستفاده جنسی، دست داشت. او در ۲۵ اوت ۲۰۰۶ (۳ شهریور ۱۳۸۵) به دلیل کلاهبرداری و پول‌شویی، مجرم شناخته شد. هوفنگاردنر، ۱۷۵۰۰۰ دلار پول نقد، یک اتومبیل مجلل، موتور سبکت، دوربین، ساعت بریتلینگ (Breitling) و کامپیوتر، از بلوم دریافت کرده بود. (۷۵) سه افسر دیگر به نام‌های سرهنگ کورتیس وایتفورد (Curtis Whiteford)، سرهنگ دبرا هریسون (Debra Harrison) و سرهنگ مایکل ویلر (Michael Wheeler)، به فساد مالی محکوم شدند. این افراد همگی از مأمورین ارشد قراردادها در دولت موقت ائتلاف بودند. آنها به دلیل رشوه‌خواری و دریافت مستقیم پول نقد از دولت موقت ائتلاف، مجرم شناخته شدند. (۷۶)

به صورت صحیح این پروژه را انجام دهد. در ایستگاه تزریق آبی در گرمس طسی، در نزدیکی بصره، پمپ‌های قدرتمند جدیدی که کار گذاشته شدند، لوله‌های فرسوده انتقال نفت را ترکانده و خود پمپ‌ها هم خیلی زود از کار افتادند. این ایستگاه معیوب، آن‌قدر وضعیت بدی پیدا کرد که منجر به آسیب شدید به میادین نفتی در جنوب عراق شد. (۷۷)

خطوط لوله انتقال نفت الفتح، پروژه نفتی دیگری بود که به هالیبرتون واگذار شده بود. خطوط لوله انتقال نفت در شمال بغداد که رودخانه دجله را قطع می‌کردند، در جریان بمباران پلی در سال ۲۰۰۳، به شدت آسیب دیده بود. شرکت KBR، از شرکت‌های اقماری هالیبرتون، مسئول تعمیر این خط لوله شد. اما این شرکت اصرار داشت به جای تعمیر پلی و گذراندن خط لوله از روی آن که تنها ۵ میلیون دلار هزینه داشت، تونلی به ارزش ۷۵ میلیون دلار زیر رودخانه، حفر کند. مهندسین این شرکت ساختار نرم سنگ و شن این منطقه را نادیده گرفتند. این شرکت، پس از مصرف تمام بودجه اعطا شده، پروژه را متوقف و آن را به حال خود رها کرد. (۷۸)

تعداد بسیاری از مهمترین قراردادهای بازسازی عراق، ناتمام مانده‌اند. اگر بر اساس نتایج نهایی پروژه‌ها قضاوت کنیم، باید بگوییم متأسفانه کوچکترین منفعتی برای مردم عراق نداشته‌اند. (۷۹)

کلاهبرداری، دزدی و ارتشا

با سرازیر شدن صدها میلیون دلار پول نقد، توسط پلی برمر و دولت موقت ائتلاف به عراق، بسیاری از پیمانکاران کوچک و حتی افراد فاقد تجربه، فرصت را برای یک شبه ثروتمند شدن مناسب دیدند. این فرصت‌طلبان، متوجه شدند نیازی به پاسخگویی نیست، پول نقد فراوان است و قانون‌شکنی هم آسان، در نتیجه شروع به کلاهبرداری، دزدی، ارتشا و سایر فسادهای مالی کردند. جان مک کین (John McCain)، سناتور جمهوریخواه از ایالت آریزونا در پاییز ۲۰۰۳، گفت: «عراق اکنون مانند شیشه‌ای پر از عسل است که حشرات بسیاری را به خود جذب کرده است. (۸۰)

یک شرکت کوچک آمریکایی به نام کاستر بتلز (Custer Battles)، در قرارداد اولیه تأمین امنیت فرودگاه بغداد و چندین سرویس خدمتاتی دیگر در این شهر، برنده شد. گزارشی که پس از یک‌سال، توسط این شرکت به دولت ایالات متحده ارائه شد، نشان می‌داد چه مقدار از پول‌ها را حیث و میل کرده‌اند و همین‌طور ۶/۵ میلیون دلار، سردولت آمریکا کلاه گذاشته‌اند. (۸۱) در مارس ۲۰۰۶، دادگاه حقوقی ایالات متحده، این شرکت را در ۳۷ مورد کلاهبرداری مجرم شناخت. در نهایت مشخص شد که این شرکت، در برخی مکان‌ها چندین بنگاه مالی بی‌هویت تأسیس کرده تا بیلان به ظاهر درستی ارائه کند. این شرکت، از عراق تجهیزاتی را دزدیده بود و همین‌طور نتوانسته بود، الزامات قراردادهای خود را برآورده کند. (۸۲)

در اواخر سال ۲۰۰۳، شرکت بریتانیایی، زرولاین (ZeroLine)، برای ساخت ۵۱ خودرو ضد گلوله برای دولت عراق، با دولت موقت ائتلاف قراردادی به ارزش

علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مجمع علوم انسانی

شدند، نسبت به شرایط غیرقابل تحمل آن، بسیار اعتراض داشتند. در بازرسی‌ها مشخص شد، فاضلاب توالت‌ها به بخش‌های درونی ساختمان، لبریز می‌شود و فونداسیون در اثر سنگینی طبقات، نشست می‌کند. (۸۵) سرانجام، مهندسين گفتند؛ طراحی ساختمان به قدری معیوب است که بسیاری از ساختمان‌های نوساز باید تخریب شده و ساختمان‌های جدیدی، احداث شوند. (۸۶) ده‌ها پروژه امنیتی دیگر، نظیر احداث ایستگاه‌های پلیس، زندان، پست مرزی و سربازخانه نیز معیوب و مشکل‌دار هستند. (۸۷)

با شتاب گرفتن کار پروژه‌های امنیتی، سیاستمداران و وزارت‌خانه‌های دولتی عراق هم، خواهان اختصاص بخشی از پول‌های صندوق توسعه عراق برای نیروهای خود بودند. در ژانویه ۲۰۰۴، احمد چلبی، سیاستمدار عراقی محبوب پنتاگون، قراردادی ۳۲۷ میلیون دلاری برای تسلیح نیروهای عراقی، با دولت موقت ائتلاف، بست. اما هیچ سلاح، یونیفورم یا کامیونی به نیروهای مسلح عراق، تحویل داده نشد. (۸۸) ژنرال حازم شعلان، وزیر دفاع دولت موقت، ۱/۳ میلیارد دلار برای خرید تانک، هلی‌کوپتر، وسایل نقلیه نظامی، توپ، نفربر و ماسک برای ارتش عراق، دریافت کرد. تحقیقات نهایی درباره موارد مصرف این پول، نشان داد که در جریان مصرف آن، فساد مالی گسترده‌ای اتفاق افتاده است. (۸۹) پول‌ها از طریق چندین دلال و از حساب‌های مخفی، منتقل می‌شدند و در نتیجه سوابق بسیار کمی درباره موارد مصرف این پول، ثبت شده است.

در ۱۶ می ۲۰۰۵ (۲۶ اردیبهشت ۱۳۸۴)، دادگستری عراق، حکم بازداشت شعلان را صادر نمود. علاوه بر شعلان، حکم بازداشت زیاد کتان، رئیس تدارکات و بسیاری از دیگر کارکنان وزارت دفاع نیز صادر شد. این بازداشت‌ها مبتنی بر نتایج حاصل از حسابرسی هیأت نظارت اوشد عراق، بود. (۹۰) با این حال، شعلان پس از آن به لندن و امان، تبعید شد. چند وزیر دیگر نیز که در پرونده‌های فساد مالی دست داشتند کشور را به ناچار ترک کردند. (۹۱) صلاوی، وزیر دارایی دولت موقت عراق، نزدیک به ۸۰۰ میلیون دلار در ازآمدهای عراق را دزدیده و ۴۰۰ میلیون دلار را صرف خرید تجهیزات دسته دوم خطرناک کرده بود. (۹۲) قاضی راضی الراضی، بازرس ویژه فساد مالی در عراق، به یک خبرنگار گفت؛ «مستشاران آمریکایی نیز در وزارت دفاع کار می‌کنند. چرا وقتی چنین موارد غیرقانونی را مشاهده می‌کنند، کاری انجام نمی‌دهند؟» (۹۳)

از همه اینها مهم‌تر، سرمایه‌های هنگفتی در تأمین مالی نیروهای امنیتی غیرقانونی و زندان‌های عراقی که در آن زندانیان شکنجه می‌شوند، به کار رفته است. ۱/۴ میلیارد دلار از بودجه بازسازی عراق، صرف عملیات‌های مخفیانه وزارت کشور عراق علیه ستیزه‌جویان و نادیده گرفتن حقوق بشر توسط این وزارت‌خانه شده است. (۹۴) این پول‌ها، صرف تجهیز، حمل و نقل، آموزش، عملیات و نگهداری نیروهای غیر ضروری این وزارت‌خانه شده است. گزارش‌ها نشان می‌دهند این پول‌ها به همراه کمک‌های مالی بریتانیا به وزارت کشور، صرف حمایت از نیروهایی شده است که در اقدامات وحشیانه دست داشته‌اند. یکی از این نیروها، کماندوهای انتظامی ویژه عراق هستند، که مسئول بسیاری از شکنجه‌ها و اقدامات بی‌رحمانه در عراق بوده‌اند. (۹۵) مؤسسه صلح ایالات متحده (US Institute for Peace)، گزارشی داد پلیس ملی

ما هرگز نخواهیم دانست، در فساد مالی چه تعداد نظامی و غیرنظامی دست داشته‌اند و حجم پول دزدیده شده چقدر بوده است، اما تخلفات گسترده مالی کاملاً روشن است. سرهنگ هریسون، به افسرانی که دستگیرش کرده بودند گفت؛ فکر کرده است حق دارد هرچقدر می‌خواهد، از پول‌ها برداشت کند. (۹۶) همه اینها در حالی انجام می‌شود، که مردم عراق از کوچکترین رفاهی برخوردار نیستند.

هزینه‌های «امنیتی»

میلیاردها دلار از اعتبارات مربوط به بازسازی عراق، به بخش «امنیت» اختصاص داده شدند. هرچه بر فعالیت ستیزه‌جویان افزوده می‌شد، پیمانکاران، برای حفظ امنیت طلب پول بیشتری می‌کردند. در نتیجه، میلیون‌ها دلار صرف احداث ساختمان، استخدام محافظ شخصی برای مقامات، حفاظت از مصالح ساختمانی، تولید وسایل نقلیه ضد گلوله و سایر تجهیزاتی که برای مقابله با خشونت لازم بود، شد. (۹۷) حفاظت امنیتی که توسط بخش خصوصی ارائه می‌شود، در روز هزینه‌ای بالغ بر ۱۰۰۰ دلار داشته و شرکت‌های پیمانکار امنیتی برای چنین کارهایی مبالغ بالایی دریافت می‌کنند. بازرس ویژه عراق، با بررسی قراردادهای نه پیمانکار، دریافت که مجموع قراردادهای آنها، به تنهایی ۱۲/۵ درصد مجموع کل قراردادهای بسته شده است. همه این شرکت‌ها در بخش امنیتی فعالیت می‌کردند. (۹۸)

واشنگتن، از آغاز سال ۲۰۰۴ به بعد، تصمیم گرفت اولویت‌های سرمایه‌گذاری را در بازسازی عراق تغییر دهد. بیش از ۵ میلیارد دلار از مجموع ۲۱ میلیارد دلار پولی که برای بازسازی عراق، تخصیص داده شده بود، در بخش امنیت سرمایه‌گذاری شد. (۹۹) در این تغییر، ۲ میلیارد دلار از بخش آب و فاضلاب و ۱ میلیارد دلار از بخش نیرو به بخش امنیت، منتقل شد. در نتیجه این انتقال، حجم پروژه‌های در دست اجرا در بخش آب و فاضلاب، به نصف کاهش یافت. (۱۰۰) بخش عمده این پول‌ها، برای آموزش، تسلیح، احداث زندان‌ها، ساخت کمپ‌ها و لجستیک، جهت ایجاد واحدهای پلیس، کماندویی و نظامی جدید عراق، اختصاص داده شد. (۱۰۱)

شرکت پارسونز، برای احداث دانشکده پلیس بغداد، قرارداد ۷۵ میلیون دلاری بست. این پروژه مهم‌ترین پروژه امنیت شهری در عراق، محسوب می‌شد. (۱۰۲) اما زمانی که در می ۲۰۰۶، نخستین دانشجویان دانشکده وارد آن

وزارت کشور عراق؛ سازمان چهل تکه‌ای است که با سبک کماندویی اداره می‌شود و در واحدهای عملیات ضد ستیزه‌جویی آن، جوخه‌های مرگ فرقه‌گرای عراق، حضور دارند. (۶۶) سرمایه‌ای بالغ بر ۷۳ میلیون دلار از بودجه بازسازی عراق، برای اقدامات مربوط به «دستگیری زندانیان» این وزارتخانه، اختصاص داده شده بود. این در حالی بود که همین وزارتخانه مسئول شکنجه و آزار و اذیت زندانیان، بوده است. (۶۷) بازرسی ویژه عراق، به ندرت این قراردادها را بررسی کرده و همین‌طور بر روند این قراردادها، هیچ نظارت مؤثر علنی و عمومی وجود ندارد.

پاسخگویی

با گذشت چهار سال از اشغال عراق و ادامه فساد مالی در این کشور، پاسخگویی افسراد درگیر در این فسادها بسیار کم بوده است. هیأت نظارت بین‌المللی که توسط سازمان ملل تأسیس شده بود، هیچ موردی از کلاهبرداری، دزدی یا فساد را مرتبط با صندوق توسعه عراق پیگیری نکرده است. این هیأت برخلاف وظیفه‌ای که شورای امنیت برعهده آن گذاشته، تاکنون حتی در یک مورد، گزارشی ارائه نکرده که آیا بودجه‌های اختصاص داده شده از صندوق توسعه عراق، «احتیاجات انسانی مردم عراق را برآورده می‌کند یا نه؟ شورای امنیت، تحت فشار ایالات متحده و بریتانیا، در بررسی این خطاها یا ایجاد ابزارهای قوی‌تر نظارتی، تا کام بوده است. (۶۸)

بازرس ویژه ایالات متحده در عراق، بسیار فعال‌تر از هیأت نظارت بین‌المللی بوده است. او تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۶ (۱۰ دی ۱۳۸۵)، ۸۵ قرارداد را با جزئیات کامل بررسی کرده بود. (۶۹) وی بسیاری از موارد فساد مالی را در حسابرسی‌های خود، به صورت علنی افشا کرده و در ۱ می ۲۰۰۷ (۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۶)، ۲۸ مورد را برای محاکمه به وزارت دادگستری ایالات متحده معرفی نمود. در نتیجه این اقدام، ۱۰ نفر بازداشت و ۵ نفر دیگر تحت تعقیب قانونی قرار گرفتند. (۷۰) با این حال، با در نظر گرفتن حجم گسترده کلاه برداری در عراق، این تعداد، بسیار کم است. مهم‌تر از این، بازرسی ویژه بازسازی عراق نتوانسته است مقامات بلندپایه دولتی درگیر در فساد مالی را پای میز محاکمه بکشاند. افرادی که در نهایت تحت تعقیب قانونی قرار گرفته‌اند، عمدتاً پیمانکاران جزء یا اشخاصی بوده‌اند که از لحاظ نظامی یا غیرنظامی، رتبه‌های پایینی در زنجیره فرماندهی داشته‌اند.

دولت عراق، چندین ارگان ضد فساد مالی از جمله؛ کمیسیون بیت‌المال، هیأت حسابرسی ویژه، بازرسان درون وزارتخانه‌ها و شورای متحد ضد فساد مالی را تأسیس کرده است. اما این مؤسسات هم قادر به مقابله با فساد مالی رو به گسترش عراق نیستند و علاوه بر این نمی‌توانند موارد فساد مالی پیمانکاران آمریکایی یا سایر کشورهای خارجی را پیگیری کنند.

تخلفات شرکت‌های بزرگی نظیر هالیبرتون، تحت پیگرد قانونی قرار

نگرفته است. حتی می‌توان گفت بر کار آنها هیچ نظارت جدی وجود نداشته است. این در حالی است که بسیاری از پروژه‌های آنها دچار نقص و ناکارآمدی گسترده، آشکار و سیستماتیک بوده است. (۷۱)

هیچ مقام بلندپایه آمریکایی نظامی یا غیرنظامی، به دلیل کوتاهی واضح در نظارت بر قراردادها یا شرکت در اقداماتی که منجر به فساد مالی شده، تحت تعقیب قرار نگرفته است. در حالی که صدها مشاور آمریکایی در وزارتخانه‌های عراق، فعال هستند و بخش عمده‌ای از هزینه بازسازی عراق توسط ایالات متحده تأمین می‌شود، هیچ یک از آنها به دلیل کوتاهی در نظارت صحیح بر روند کارها در این وزارتخانه‌ها، برای پاسخگویی فراخوانده نشده‌اند. بازرسی ویژه بازسازی عراق در بررسی پروژه‌های مربوط به پلیس عراق، افعال کرده است. او بدون بررسی موشکافانه این قراردادها، فرض را بر این قراردادها گذاشته بود که این پروژه‌ها کاملاً درست اجرا شده‌اند. (۷۲)

دولت واشنگتن نیز هرکاری را که لازم بود انجام داده تا از پاسخگویی فرار کند. «بخشنامه ۱۷، پل برمر در سال ۲۰۰۴، پیمانکاران و نیروهای ائتلاف را از مجازات و بازپرسی براساس قوانین عراق، معاف کرد. (۷۳) بخشنامه ۱۳۰۰۳ اجرایی رئیس‌جمهور ایالات متحده در سال ۲۰۰۳، تقریباً تمام شرکت‌های نفتی را از پیگیری حقوقی به دلیل اقداماتشان در عراق، معاف کرد. (۷۴) ایالات متحده و بریتانیا، هیأت نظارت بین‌المللی را به گونه‌ای شکل دادند تا ظرفیت حسابرسی کمی داشته باشد و از طرفی فعالیت بازرسی ویژه بازسازی عراق را نیز محدود کردند. در نتیجه، شگفت‌انگیز نیست که با توجه به پاسخگویی بسیار کم متخلفین در عراق، این کشور هم‌اکنون پس از هائیتی، در زمینه فساد مالی، رتبه دوم را در جهان داراست. (۷۵)

سخن پایانی

از نخستین روزهای اشغال عراق، ایالات متحده و شرکای اشغالگرش، نظام فساد مالی غیر پاسخگو را در عراق، ایجاد کردند. فرایندهای مربوط به اداره کشور، دادگستری و بازسازی عراق، تحت تأثیر دزدی، کلاهبرداری، ارتشا و تخلفات مالی گسترده، قرار گرفته است. ده‌ها میلیارد دلار از درآمدهای عراق، صرف پروژه‌هایی شده که سرشار از کلاهبرداری بوده‌اند و بسیاری از آنها ناقص و معیوب هستند. با در نظر گرفتن نتایج نهایی این پروژه‌ها، باید گفت کوچکترین منفعتی برای مردم عراق، نداشته‌اند. این تخلفات، نقض آشکار مسئولیت‌های اشغالگران، براساس معاهده ژنو، معاهده سازمان ملل علیه فساد مالی در سال ۲۰۰۳ و قطعنامه‌های شورای امنیت، است. شورای امنیت و جامعه بین‌المللی باید سریعاً وارد عمل شوند. آنها باید میلیاردها دلار سرمایه دزدیده شده و بر باد رفته را احیا کنند و همین‌طور همه آنهایی را که مسئولیت اصلی در نقض آشکار این قوانین بین‌المللی داشته‌اند؛ به دست عدالت بیاورند.

• می‌نوشت‌ها به علت کمبود جا در سایت www.melsami.com موجود است.

به زودی منتشر می‌شود

جنگ و اشغالگری در عراق (War and occupation in Iraq)

لابی اسرائیل و سیاست خارجی ایالات متحده، جان جی. میرشایمر و استیون. ام. والت
ترجمه لطف‌الله میثمی